

ارزیابی ترجیحات بصری زنان از فضاهای شهری تهران

مهنوش شاهین راد
پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و
معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
مجتبی رفیعیان*
دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و
معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
محمدرضا پورجعفر
استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و
معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

*نشانی تماس: دانشکده هنر و معماری،
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
رایانامه: rafiei_m@modares.ac.ir

هدف: صاحب نظران از زمان شروع طراحی شهری، به اهمیت بصری شهرها، به عنوان بخش جدا ناپذیر از زندگی شهروندان و تأثیر کیفیت آن بر تجربه افراد از محیط، توجه کرده‌اند. در این میان، آنچه اهمیت دارد، شناسایی و ارزیابی معیارهای اصلی شهروندان در تعیین ترجیح بصری بیشتر و کمتر فضاهای شهری است. با توجه به اینکه جنسیت مانند عواملی همچون محل سکونت، سن، شرایط اجتماعی- اقتصادی، قومیت، سطح درآمد بر ادراک و ترجیح محیط تأثیر می‌گذارد، هدف این پژوهش، سنجش ترجیحات بصری شهروندان زن تهرانی از فضاهای عمومی شهری است. روش: با بهره‌گیری از نمونه‌ی جامعه‌ی آماری ۲۵۰ نفری، اماکن دارای بیشترین و کمترین ترجیحات بصری در تهران شناسایی شدند و افراد بر اساس معیارهای حاصل از بررسی متون ادبیات موضوع، به ویژگی‌های محیطی دو نمونه با بیشترین و کمترین ترجیح (خیابان ولی‌عصر و میدان انقلاب) امتیاز دادند. داده‌های حاصل از امتیازها (طیف پنج‌تایی لیکرتی) با استفاده از تحلیل‌های همبستگی و رگرسیونی ارزیابی شد. نتیجه‌گیری: نتایج گویای آن است که ویژگی‌های طبیعی بودن، نمونه‌واری و اسرارآمیز بودن، بیشترین تفاوت میانگین را در دو فضای مذکور دارند. همچنین تحلیل رگرسیونی نشان داد که برای بهبود کیفیت برنامه‌ریزی و طراحی خیابان ولی‌عصر، باید به ویژگی‌های تداعی، طبیعی بودن، نگاه‌داری مناسب، خوانایی، اهمیت تاریخی و انسجام توجه شود تا همچنان به‌عنوان فضایی دارای ترجیح بصری زیاد باقی بماند و تقویت نیز بشود. از سوی دیگر، برای بهبود افزایش ترجیح بصری میدان انقلاب نیز توجه به ویژگی‌های اسرارآمیز بودن، تداعی، نمونه‌واری و خوانایی در الویت است.

کلیدواژه‌ها: ترجیحات بصری، محیط بصری شهر، ویژگی‌های محیط، زنان، تهران.

Assessing Women's Visual Preferences towards Tehran Urban Spaces

Introduction: Urban visual environment plays a significant part in the citizens' lives and the impact of its quality on individual's environmental experiences have been well attended to when designing urban environment from scratch. Meanwhile, the most important aspect in this context is to recognize and assess the main criteria of citizens' preferences in urban spaces. Like other inter-individual differences in preferences (including the living environment, age, socio-economic status, ethnicity and income level), gender has an impact on environmental perception and preference. This research examined the visual preference of female citizens for urban public spaces. **Methods:** Through a simple random sampling method, 250 respondents were recruited by which the most and the least visual preferred places in Tehran were determined. Respondents rated the environmental attributes of two sample spaces including Vali-Asr avenue and Enqelab square according to the predictor variables derived from literature review. The obtained data on rating (5-point Likert scale) were analyzed using the correlation and regression statistical techniques. **Conclusion:** Our findings revealed that attributes such as naturalness, typicality and mystery have the most mean-difference between the two selected spaces. Regression analyses showed that association, naturalness, upkeep, legibility, historical significance and coherence should be considered in planning and designing of Vali-Asr avenue to promote its preference. On the other hand, attributes such as mystery, association, typicality and legibility were considered as priorities for promoting women's visual preferences for Enqelab square.

Keywords: Visual Preferences, Urban visual environment, Environmental attributes, Women, Tehran.

Mahnoosh Shahinrad
PhD Candidate, Department of urban design and planning, Tarbiat Modares University, Tehran
Mojtaba Rafieian*
Associate Professor, Department of urban design and planning, Tarbiat Modares University, Tehran
Mohammad Reza Pourjafar
Professor, Department of urban design and planning, Tarbiat Modares University, Tehran

Corresponding Author:
Email: rafiei_m@modares.ac.ir

ویژگی‌های منظر یا ویژگی‌های فرد ناظر)، با وجود اهمیت‌شان، کمتر پرداخته شده است (۱۱). از این‌رو پرداختن به ترجیحات بصری در محیط‌های شهری و شناسایی عوامل مؤثر بر آنها (ویژگی‌های محیطی و فردی) ضروری می‌نماید.

هدف این مقاله، شناسایی کیفیت‌های محیطی مؤثر بر ترجیحات بصری در شهر تهران است. در این زمینه باید توجه داشت که جنسیت همانند عواملی مثل محل سکونت، سن، شرایط اجتماعی-اقتصادی، تراکم جمعیت، عضویت در سازمان‌ها، تخصص و دانش پیشین، قومیت و سطح درآمد بر ادراک و ترجیحات محیطی تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، در طراحی‌های انسان‌محور، فضاهای شهری، ناخودآگاه، انسان، مردی سالم، میان‌سال که در شرایط مناسب اقلیمی و زمانی فعالیت می‌کند تصور شده است. درحالی‌که نیمی از افراد جامعه ما را زنان تشکیل می‌دهند که نیازها و ترجیحات آنها هم با نیازها و ترجیحات مردان تفاوت دارد و هم کمتر شناخته شده است. از این‌رو در این پژوهش، ترجیحات بصری شهروندان زن تهرانی و به بیانی دیگر، قرائت شهروندان زن از محیط بصری شهر تهران بررسی و ویژگی‌ها و نشانه‌هایی از این فضاها، که سبب ارزیابی مثبت یا منفی شده‌اند، شناسایی شد. در مجموع، این پژوهش، از یک سو به شناختن و فهمیدن دیدگاه‌های درونی، ذهنی و ادراکی شهروندان زن درباره تجربه آنها از شهر تهران توجه دارد و از سوی دیگر، ویژگی‌های عینی و عواملی از فضاهای شهری را به عنوان پایه این ادراک و قضاوت‌ها شناسایی می‌کند. آگاه کردن طراحان و برنامه‌ریزان شهری از نیازها و ترجیحات گروه‌های مختلف (سنی، جنسیتی، فرهنگی و ارزشی) شهروندان عادی، به ایجاد فضاهایی با کیفیت، همه‌شمول و مورد استفاده برای شهروندان منجر می‌شود. شایان ذکر است که در این مقاله، تمرکز بر جنبه‌های بصری محیط است و دیگر وجوه تجارب محیطی مانند وجه صوتی و بویایی مد نظر قرار نگرفته است.

چارچوب مفهومی سنجش کیفیت محیط بصری

برای تشریح کیفیت‌های عینی، ذهنی، ادراکی و معنایی و همچنین ترجیحات بصری محیط تئوری‌های متعددی مطرح شده است. در این مقاله، متون مرتبط با تئوری‌های پایه و پیشرو در زمینه‌های مذکور با این

محیط بصری شهرها جزئی از زندگی مردم محسوب می‌شود، لذا کیفیت آن تأثیر بسزایی بر تجربه افراد از محیط دارد (۱،۲). مطالعات نشان داده‌اند که شهرهای دارای محیط بصری مطلوب و نیز شهرهایی که به دلیل کیفیت محیط بصری‌شان مورد توجه‌اند، باعث احساس رضایت، آرامش، جاذبه، تعلق خاطر و غرور در شهروندان‌شان می‌شوند. همان‌گونه که گلکار (۳) نیز اشاره کرده، محیط بصری شهر همچون متنی است که ارزش‌های جامعه، سلاقی زیباشناختی آن و دیگر ابعاد ناملموس حیات شهری را به نمایش می‌گذارد و امکان خوانش آنها را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، شهروندان از طریق نشانه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این متن، هویت و وجه تمایز خود را می‌سازند. از سوی دیگر، محیط بصری مطلوب شهر، مستقیم و غیرمستقیم، در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهر نقش برجسته‌ای دارد و ارتقای کیفیت آن می‌تواند باعث تقویت شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر شود؛ به طوری که طراحی هرچه زیباتر شهر، پویایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن را بیشتر می‌کند (۴، ۵).

منظور از کیفیت محیط بصری شهرها، استعدادی است در شهرها که می‌تواند احساس مثبت (رضایت، علاقه،...) و یا منفی (نارضایتی، انزجار و دوری،...) شهروندان را برانگیزد. احساسی که اساس آن را ادراک ویژگی‌های محیط شهر و تصویر ذهنی ایجاد شده، شکل می‌دهد. به این ترتیب، محیط بصری مطلوب شهر، یک پدیده زیبایی‌شناسی انتزاعی و مستقل به خود نیست، بلکه وابسته به ارزیابی افرادی است که دائم آن را تجربه می‌کنند. اگر مردم محیط بصری شهر را ستایش کنند و بر آن ارج بگذارند، می‌توان گفت که شهر از محیط بصری مطلوبی برخوردار است. به این ترتیب بر همه شمول بودن این موضوع تأکید می‌شود.

نتایج پژوهش‌های مختلف، تفاوت میان ترجیحات محیطی و بصری افراد عادی و طراحان و معماران را نشان می‌دهد (۶، ۷). از این‌رو محور بخش عمده‌ای از مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه ترجیحات محیطی، شناسایی ترجیحات مردم عادی است؛ اما بستر اصلی این پژوهش‌ها را محیط طبیعی (طراحی‌شده یا بکر) شکل داده است (۸-۱۰). از سوی دیگر، به عواملی که بر ترجیحات بصری افراد تأثیر می‌گذارند (مانند

جدول ۱- مفاهیم و ویژگی‌های محیطی مؤثر بر ترجیحات بصری محیط

ردیف	مفهوم	صاحب‌نظر
۱	طبیعی بودن	نسر (۱۹۹۸)؛ لینچ (۱۹۶۰)
۲	اهمیت تاریخی	هرزوغ (۱۹۹۲)؛ ایوانس و سایر (۱۹۸۲)؛ لینچ (۱۹۶۰)
۳	خوانایی	لینچ (۱۹۶۰)؛ اپلبارد (۱۹۷۶)؛ کاپلان (۱۹۷۹)؛ ایوانس و سایر (۱۹۸۲)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)
۴*	اسرآمیز بودن	کاپلان (۱۹۷۹)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)
	دیدهای متوالی	کالن (۱۹۶۱)
۵	نمونه‌واری	هرزوغ (۱۹۹۲)
۶	تداعی	راپاپورت (۱۹۸۹)
۷	خوانش محیط	راپاپورت (۱۹۸۹)
۸	نگه‌داری مناسب	نسر (۱۹۹۸)
۹	پناه دادن	هرزوغ (۱۹۹۲)
۱۰	پیچیدگی	نسر (۱۹۹۸)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)؛ کاپلان (۱۹۷۹)؛ کالن (۱۹۶۱)
۱۱	انسجام	هرزوغ (۱۹۹۲)؛ کاپلان (۱۹۷۹)
۱۲	نظم	نسر (۱۹۹۸)؛ لینچ (۱۹۶۰)
۱۳	محصور بودن فضا و تعیین فضایی	کالن (۱۹۶۱)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)
۱۴	بازبودن (گشودگی و وسعت فضا)	هرزوغ (۱۹۹۲)؛ نسر (۱۹۹۸)؛ لینچ (۱۹۶۰)

بصری تأکید دارد و با رویکردی متخصص‌محور، ارزش‌های مورد نظر خود را به استفاده‌کنندگان از محیط تعمیم داده است. البته پژوهش و تئوری او را می‌توان آغازی بر پرداختن به مقولات احساسی و ادراکی در محیط بصری دانست. گازلینگ بر این باور است که ایده‌های کالن در قالب دیدهای متوالی، ابزاری تحلیلی-ترکیبی (متفاوت از نگاه‌های تجزیه‌کننده پیشین) برای فهم سکانس‌های فضایی^۴ در طراحی شهر بوده و به صورت عملی نیز بسیار کاربرد داشته است؛ به طوری که در اواخر سده ۲۰ مورد توجه بسیاری قرار گرفت (۱۴). کالن پرداختن به محیط بصری را به‌عنوان «هنر ارتباط و تناسب بصری» معرفی می‌کند و لذا برای تأثیرگذاری محیط بر فرد سه راه را در نظر می‌گیرد:

- ۱- دیدشناسی (دیدهای متوالی): به نظر کالن، در دیدهای متوالی، حس اکتشاف و ج ذبه، با حرکت از درون فضاها تجربه می‌شود. به نوعی فاش کردن یک راز؛ حسی که هر چه بیشتر در محیط دقت کنیم، مفاهیم بیشتری از آن آشکار می‌شود (۱۵).
- ۲- توجه به مکان/موقعیت^۵: در این محور، کالن به سه

هدف تحلیل شده‌اند که ویژگی‌ها و سنجه‌های اصلی برای سنجش کیفیت محیط بصری و ترجیحات شهروندان زن شناسایی شوند (جدول ۱). برخی تئوری‌ها، ویژگی‌های مشخص یک محیط بصری مطلوب را تعیین کرده و برخی دیگر، به شناخت ویژگی‌هایی از محیط پرداخته‌اند که ترجیحات شهروندان از محیط‌ها را در پی دارد. به این ترتیب، در این مقاله نیز تئوری‌های مورد نظر در دو گروه تئوری‌های محیط بصری و تئوری‌های ترجیحات بصری بررسی شده‌اند.

الف- محیط بصری

در بررسی محیط بصری، طبق نظر لوتیان^۱، تئوری‌ها و پژوهش‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

- رویکرد "متخصص‌محور" که تمرکزش بر پرداختن به منظر به عنوان یک شیء^۲ است.
- رویکرد "ذهن‌باور"^۳ که بر تجربه ناظر از منظر متمرکز است (۱۲).

در بررسی سیر تحول مفاهیم مورد تأکید در تئوری‌های مربوطه نیز می‌توان شاهد تکامل مفاهیم از تمرکز بر مقولات هنری/زیباشناختی عینی تا ترکیب با مقولات عملکردی، ذهنی، ادراکی، معنایی و در نهایت، ترکیب با مفاهیم در قالب گفتمان پایداری بود (۳، ۱۳). یکی از تئوری‌های اولیه و اصلی در باره محیط بصری، تئوری منظر شهری گوردن کالن است که بر بعد عینی محیط

1. Lothian
2. Object
3. Subjectivist approach
4. Spatial Sequences
5. Position

یا مقصودی که بر محیط مترتب است، تداعی‌های مطلوبی که از دیدن محیط حاصل می‌شود، سابقه تاریخی یا حتا نام محدوده نیز از عواملی هستند که بر نقش‌انگیزی محیط تأثیر می‌گذارند (۱). این موارد به اهمیت معنا و تداعی ایجاد شده برای فرد اشاره دارند. در رابطه با معنا و تداعی محیط، تئوری ارتباط غیرکلامی راپاپورت نقش مهمی دارد. او بین ادراک و تداعی به‌عنوان دو روش مکمل در دریافت محیط ساخته‌شده تمایز قائل می‌شود. به نظر راپاپورت، طراحان بر ادراک و عموم مردم بر تداعی تأکید دارند. به بیانی دیگر، آنچه افراد از محیط درک می‌کنند، ترکیبی است از آن چیزی که در آن لحظه از دنیای بیرونی درک می‌کنند و تداعی‌هایی که بر اساس تجربه دنیای فیزیکی و سایر مردم برایشان شکل می‌گیرد (۶)؛ به‌طوری‌که معانی بی‌که افراد به مجموعه‌ها نسبت می‌دهند، گاه می‌تواند از اهمیت ویژگی‌های فیزیکی آنها فراتر رود. در حقیقت، در برخی مکان‌ها، پیوندهای اجتماعی^۱ منبع اولیه معنا به‌شمار می‌روند. در این نمونه‌ها، اهمیت یک مکان اغلب با خاطرات و تجارب مشترک فرد با دیگران گره خورده است (۲۱). به این ترتیب، محیط ساخته‌شده، به‌عنوان بخشی از فرهنگ مادی، از نشانه‌هایی تشکیل شده‌است که راپاپورت آنها را در سه دسته شامل عناصر فیزیکی (دیداری، بویایی و شنیداری)، اجتماعی (مردم، فعالیت‌ها و کاربری‌ها) و تفاوت‌های زمانی^۲ قرار می‌دهد. (۶). در این میان نشانه‌های بصری محیط با بیشترین تعداد غالب‌اند. راپاپورت پیشنهاد می‌دهد برای ارتقای توانایی محیط در برقراری ارتباط غیرکلامی، نشانه‌های ساخته‌شده باید قابلیت خوانش^۳ داشته باشند. به بیانی دیگر، طراح و استفاده‌کننده باید از نشانه‌های معنادار، الگوهای مشترک؛ و از فرم‌های ارتباط، زبان مشترک و یکسانی داشته باشد. این نشانه‌ها در زمینه‌های گسترده‌تر فرایندهای اجتماعی و توقعات افراد نیز باید تناسب/هماهنگی داشته و در نهایت برای افزایش شدت تأثیر و وضوح این نشانه‌ها تکرار شوند و یکدیگر را تقویت و شفاف کنند (۶). از این رو، راپاپورت توصیه می‌کند از عناصر آشنا و یا سستی،

موقعیت و واکنش بدن فرد به محیط پیرامونش توجه می‌کند: داخل فضا بودن، به آن داخل شدن و از آن خارج شدن. به نظر او، بعضی از بهترین تأثیرات منظر شهری از طریق ایجاد یک ارتباط ماهرانه بین این دو (اینجا و آنجا) به‌وجود آمده‌اند (۱۵).

۳- توجه به محتوا: در این محور، کالن بر بنیان‌های تاریخی شهرها و روایت ساختار آنها از زمان‌های مختلف تاریخی، سبک‌های مختلف معماری و رویدادها و وقایع تاریخی‌بی که بر آنها رفته است، تأکید دارد. به اعتقاد وی، شهرها باید این اختلاط در سبک، جنس و مقیاس را نشان دهند، چون این تنوع باعث ایجاد شخصیت، تمایز و همچنین سرزندگی آنها می‌شود (۱۵).

تقریباً هم‌زمان با کالن، کوین لینچ نیز توجه خود را به کیفیت‌های بصری شهر، ولی با تأکید بر تأثیر آنها بر تصویر ذهنی شهروندان متمرکز کرد. به این ترتیب، رویکرد او به تجارب افراد از محیط بصری و از سوی دیگر به بعد ادراکی - معنایی محیط بصری معطوف بوده است. خوانایی^۱ یا نقش‌انگیزی^۲ محیط (۱) کیفیت مطلوبی است که وی در تئوری خود به آن پرداخته است. در پژوهش لینچ، برخی کیفیت‌ها و ویژگی‌های محیطی که افراد در مورد کیفیت بصری شهرشان به آنها اشاره کرده‌اند، قابل بررسی است. کیفیت‌ها و ویژگی‌های محیطی همچون سرسبز بودن و وجود پوشش گیاهی (۱)، گشودگی فضایی و داشتن دورنماهای وسیع، عناصر قدیمی و تاریخی و دلبستگی و علاقه‌مندی مردم به آنها از مواردی است که بر آن تأکید فراوان شده است. عناصر و ساختمان‌های تاریخی، اهمیت و نقش دیگری نیز دارند و آن اینکه بر نقش‌انگیزی یک ساختمان به‌عنوان یک نشانه و در نتیجه خوانایی و در نهایت ترجیح فضایی می‌افزایند (۱، ۲ و ۱۷). علاوه بر لینچ، صاحب‌نظران و پژوهشگران دیگری (۱۶-۱۹) نیز بر تأثیر خوانایی یا نقش‌انگیزی محیط بر ارتباط فرد با محیط و ترجیحات محیطی او تأکید کرده‌اند. آنها با بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که سه عامل «تمایز یا تشخیص فرم»^۳، «قابلیت رویت»^۴ و «اهمیت نمادین یا کارکردی»^۵ بر نقش‌انگیزی عناصر تأثیر دارند (۱۷، ۲۰).

خوانایی با وجود اهمیت انکار ناپذیرش، تنها کیفیت تعیین‌کننده برای ایجاد محیط بصری مطلوب به‌شمار نمی‌رود. ویژگی‌ها و کیفیت‌های دیگری نیز مانند معنا

- | | |
|------------------------|------------------------------|
| 1. Legibility | 5. Use/symbolic significance |
| 2. Imageability | 6. Social bonds |
| 3. Distinctive of form | 7. Temporal differences |
| 4. Visibility | 8. Readily accessible |

و پایه تمام اهداف، که افراد در ساعات بیداری‌شان به آنها نظر دارند، دو چیز است: «فهمیدن^۴» و «کشف کردن^۵» (۱۶). هر کدام از این نیازها می‌توانند به دو سطح از اطلاعات اشاره داشته باشند: یکی آنچه به سرعت قابل درک است و دیگری، آنچه با حرکت فرد در محیط قابل درک می‌شود (۲۸). به نظر کاپلان‌ها، افراد محیط‌هایی را که پاسخ‌گوی این دو نیاز پایه‌ای آنها هستند ترجیح می‌دهند؛ بنابراین ترجیح محیطی را می‌توان نتیجه یک فرایند پیچیده در نظر گرفت؛ فرایندی که شامل ادراک اشیا و فضاها می‌شود و با توجه به ظرفیت آنها در مفید و پشتیبان بودن در برآورده کردن اهداف، واکنش افراد را در پی دارد (۱۶). در این مدل، متغیر «انسجام»^۶ (فهم سریع یا بی‌درنگ) که به درجه‌ای از نظم و سازمان‌دهی محیط اشاره دارد و متغیر «خوانایی»^۷ (فهم استنباطی)، که به سهولت مسیریابی در محیط و آگاه بودن از موقعیت محیط می‌پردازد، دو عامل پیش‌بینی‌کننده ترجیحات محیطی با هدف فهمیدن محیط‌اند. متغیر «پیچیدگی»^۸ (کشف سریع یا فوری) که به تنوع عناصر مختلف محیط و تنوع و تعدد موضوعات برای نگاه کردن اشاره دارد و متغیر «اسرارآمیز بودن»^۹ (کشف استنباطی) که به وعده ارائه اطلاعات بیشتر به فرد در صورت عمیق‌تر شدن در محیط می‌پردازد، دو عامل پیش‌بینی‌کننده ترجیحات محیطی با هدف کشف کردن به‌شمار می‌روند (۱۶، ۲۸). قابل توجه اینکه متغیر پیچیدگی در دو حالت قابل بررسی است: همراه با نظم که غنای بصری منظر را به دنبال دارد و در کنار بی‌نظمی که می‌تواند به آشفتگی تعبیر شود (۲۶). به این ترتیب، در این زمینه بر اهمیت نظم محیط و تأثیر متقابل متغیر انسجام تأکید می‌شود.

1. The National Environmental Policy Act (United States Government, 1969: Sec. 102, B:2)

2. Evolutionary theories

3. Cultural preference theories

۴. کاپلان‌ها در این زمینه از اصطلاح «make sense» استفاده کرده‌اند که به اهمیت آگاه شدن، فراگرفتن و دریافت فرد از موقعیت و محیطش با توجه به آنچه در اینجا و اکنون (و گاهی در گستره‌ای بزرگ‌تر) اتفاق می‌افتد، اشاره دارد.

۵. کاپلان‌ها در این زمینه از اصطلاح «involvement» استفاده کرده‌اند که به موضوعاتی چون کشف کردن، آموختن و تحریک و برانگیخته شدن بازمی‌گردد.

6. Coherence

7. Legibility

8. Complexity

9. Mystery

عناصر فرهنگی و نشان‌های آشنا و قابل فهم استفاده شود. در مجموع می‌توان گفت به نظر راپاپورت، تمام محرک‌های محیطی به وسیله تفسیر نمادین خود درک می‌شوند و لذا به معنایشان وابسته‌اند. معنا مهمترین متغیری است که در شناخت ما از محیط، ترجیح‌مان برای محیط‌های مختلف و انتخاب ما تأثیر می‌گذارد (۶).

ب- ترجیحات بصری

به منظور سنجش و ارزیابی ارزش‌های عموم مردم از ادراک محیطی و ترجیحات زیبایی‌شناسی منظر، پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای شده است. پژوهش اولیه در این زمینه درباره قانون‌گذاری برای حفاظت از محیط طبیعی آمریکا^۱ انجام شد (۱۹). پس از آن بسیاری از پژوهش‌ها به ترجیحات محیطی در زمینه محیط‌های طبیعی (۲۲، ۲۳) و نیز محیط‌های ساخته‌شده، همچون مناطق مسکونی یا شهری (۲، ۱۸، ۲۴-۲۶) پرداخته‌اند. تئوری‌های متعدد در زمینه ادراک منظر و ترجیحات آن را می‌توان به دو دسته تئوری‌های تکاملی^۲ و ترجیحات فرهنگی^۳ تقسیم کرد (۱۲). در رویکرد تکاملی، زیبایی‌شناسی منظر به‌عنوان بُعدی از سازگاری انسان با محیط و بقای او در نظر گرفته می‌شود؛ به‌طوری‌که ترجیحات منظر بازتاب کیفیت‌هایی از منظرند که به نیازهای بیولوژیک انسان برای بقا و رشد (به‌عنوان گونه‌ای از موجودات زنده) پاسخ می‌دهند. در تضاد با این رویکرد، به نظر برخی ادراک و تجربه منظر غالباً وابسته به پیشینه فرهنگی و ویژگی‌های فردی ناظر است (۱۲). البته در پژوهش‌های اخیر، در زمینه زیبایی‌شناسی منظر شاهد رویکردهایی هستیم که در ترجیح افراد، ترکیبی از نیروهای فرهنگی و بیولوژیکی (طبیعی) را معرفی می‌کنند. مطالعات نشان داده‌اند که ترجیحات افراد بر اساس تأثیرات توأمان فرهنگی و ژنتیکی شکل می‌گیرد (۱۲، ۲۷).

مدل اطلاعاتی یا مدل «اسرارآمیز بودن/پیچیدگی/خوانایی/انسجام»، پیشنهادی راشل و استفان کاپلان (۲۲)، یکی از تئوری‌های مطرح در رویکرد تکاملی است که بر اساس نیاز انسان به اطلاعات و توانایی او در پردازش اطلاعات برای بقا شکل گرفته است. کاپلان معتقد است واکنش افراد به اشیا و فضاها به اهداف آنها وابسته است. سال‌ها پژوهش و بررسی در این زمینه نشان می‌دهد که اساس

ضروری است اما برای یک محیط دوست‌داشتنی کافی نیست (۲)، به ارزیابی عموم مردم (مثبت و منفی) از عناصر نقش‌انگیز^{۱۵} کیفیت بصری شهر می‌پردازد. به باور او برای شکل گرفتن یک تصویر دلخواه^{۱۶}، عناصر باید هم به یادماندنی^{۱۷} و هم دوست‌داشتنی^{۱۸} باشند (۲) و بر اساس نتایج پژوهش، ویژگی‌های محیطی برای محیط‌های مهرانگیز (دوست‌داشتنی) به پنج گروه طبیعی بودن^{۱۹}، نگه‌داری/مدنیت^{۲۰}، بازبودن فضا^{۲۱} (درعین تعریف‌شدگی)، اهمیت تاریخی^{۲۲} و نظم^{۲۳} تقسیم شده است (۲). حضور طبیعت (گیاه، آب و یا کوه‌ها)، متغیر مهمی در تعیین ترجیحات بصری است و مستقیماً بر آن اثر مثبت دارد (۲۶، ۱۲، ۲). جک نسر، حضور عناصر طبیعی و دید به عناصر طبیعی را به‌عنوان سنج‌های طبیعی بودن فضا در نظر گرفته است (۲). گشودگی یا باز بودن فضا با توجه به وجود دیدهای گسترده و باز و مکان‌های باز نیز از دیگر ویژگی‌های محیطی هستند که تأثیر مستقیم آنها بر ترجیحات محیطی در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است (۲، ۲۶، ۳۰). البته نسر به این نکته اشاره می‌کند که تجربه دیدهای گسترده و فضاهای باز، زمانی واضح‌تر خواهد بود که در تضاد با دیدهای بسته و یا مناطق محصور اتفاق بیفتند؛ بنابراین دیدهای محدود اگرچه ذاتاً و به‌تنهایی مطلوب نیستند اما در افزایش تضاد و تنوع

در رابطه با نیز باید توجه داشت که این متغیر با مفاهیمی چون تازگی و نوظهوری، غیرمنتظره و همچنین مبهم بودن متفاوت است. در مجموع، اسرارآمیز بودن، کنجکاوی فرد را بر می‌انگیزد، اما این کنجکاوی نه برای یک ذهن خالی، بلکه برای ذهنی است که بر تنوعی از گزینه‌های محتمل و ممکن متمرکز است و در مورد اینکه چه چیزی در ادامه آن خواهد بود فرضیه‌هایی دارد (۱۶). در پژوهش‌هایی که با مبنا قرار دادن این مدل، ترجیحات محیطی افراد را در محیط‌های طبیعی ارزیابی و بررسی کرده‌اند، تأثیر متغیر «اسرارآمیز بودن» و «انسجام» بارها ثابت شده است (۲۵، ۲۹).

با توجه به اهمیت این تئوری در روان‌شناسی محیطی، این مدل در ترجیحات محیطی فضاهای شهری نیز بررسی شده است. هرزوغ در پژوهش خود با عنوان «تحلیل شناختی ترجیحات فضاهای شهری»^۱ برای سنجش ترجیحات پنج دسته از فضاهای شهری (باز و تعریف‌نشده^۲، ساختاریافته^۳، محصور^۴، با دید مسدود^۵ و محورها)^۶، نه متغیر پیش‌بینی‌کننده^۷ شامل وسعت فضایی^۸، پناه دادن^۹، محصور بودن، انسجام، خوانایی، پیچیدگی، اسرارآمیز بودن، نمونه‌واری^{۱۰} و قدمت را بررسی و تحلیل کرد (۱۸). او برای دسته‌بندی فضاهای شهری، به پیشنهاد استفان کاپلان برای دسته‌بندی محیط‌های طبیعی دو مؤلفه گشودگی^{۱۱} و تعیین فضایی^{۱۲} ملاک قرار داده است. بر اساس تحلیل امتیازهای داده شده و ترجیحات فضایی، متغیرها در سه دسته کلی قرار می‌گیرند. ۱- متغیرهای گشودگی فضایی^{۱۳}، پناه‌دادن^{۱۴} و محصوریت که در هیچ یک از تحلیل‌های این پژوهش، بر ترجیحات فضایی مؤثر نبوده‌اند. ۲- سه متغیر خوانایی، اسرارآمیز بودن و نمونه‌واری نیز در برخی تحلیل‌ها مؤثر بودند و در برخی دیگر نقشی نداشتند. ۳- متغیر انسجام، پیچیدگی و قدمت نقش مؤثری در ترجیحات فضاهای شهری داشتند. به این ترتیب بر اساس این پژوهش می‌توان گفت، فضاهای شهری با سازمان‌یافتگی خوب و دارای تنوع کافی برای جلب توجه افراد، بیشترین ترجیح را نیز دارند (۱۸).

از دیگر تئوری‌های مطرح در ترجیحات محیطی، سیمای ارزیابانه جک نسر است که کیفیت‌های محیط بصری و تأثیر آنها بر احساسات و استنباط افراد را ارزیابی کرده است. نسر با این پیش‌فرض که خوانایی

- | | |
|--|------------------------|
| 1. Cognitive analysis of preference for urban spaces | 7. Predictor variables |
| 2. Open-undefined | 8. Spaciousness |
| 3. Well-structured | 9. Refuge |
| 4. Enclosed settings | 10. Typicality |
| 5. Blocked views | 11. Openness |
| 6. Corridors | 12. Spatial definition |
| | 13. Spaciousness |

۱۴. ویژگی یا مفهوم پناه‌دادن که در تئوری پیشنهادی اپلتون مورد توجه قرار گرفته، بر بحث ایمنی در فضا تأکید دارد و در تعریفی که برای آن ارائه شده، به امکانی در فضا می‌پردازد که فرد بتواند در حالی که دیده نمی‌شود، فضای پیرامون خود را به خوبی ببیند. بر این اساس، محیطی ترجیح داده می‌شود که برای حفظ آرامش و حتا بقای فرد در برابر تهدیدهای محیطی سرپناهی تأمین کند (Kyle, Kaplan 1979, 244-245). از نگاه مدل اطلاعاتی کاپلان‌ها، ایمنی، مفهومی فراتر از تعریف مورد نظر در تئوری اپلتون را شامل می‌شود و بر این اساس نیز آنها در این زمینه خوانایی را پیشنهاد کرده‌اند.

- | | |
|------------------------|-----------------------|
| 15. Imageable elements | 20. Upkeep/Civilities |
| 16. Favorable image | 21. Openness |
| 17. Memorable | 22. Historical |
| 18. Likable | Significance |
| 19. Naturalness | 23. Order |

جدول ۲- ویژگی‌های نمونه آماری

ویژگی‌ها	N= 250
سن (M, S.D.)	۳۱/۴۴ , ۱۰/۸۲۷
تحصیلات	
دیپلم	۳۴/۸ درصد
فوق دیپلم	۵/۲ درصد
کارشناسی	۲۹/۶ درصد
کارشناسی ارشد	۲۵/۶ درصد
دکتر	۳/۲ درصد
پاسخ ندادند	۱/۶ درصد
سابقه سکونت در تهران (M, S.D.)	۲۸/۳۲ , ۱۱/۳۸۵

تصادفی در فضاهای عمومی منتخب انتخاب شدند. از این تعداد فقط ۲۵۰ مورد کامل و مناسب تحلیل و بررسی تشخیص داده شدند. همان طور که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، بیشتر پاسخ‌دهندگان جوان ($M=31/44$; $S.D.=10/827$)، دارای سطح تحصیلی بالا (بیش از ۵۸ درصد تحصیلات کارشناسی و بیشتر داشتند) و بیش از دو سوم عمرشان را ساکن تهران بودند ($M=28/32$; $S.D.=11/385$).

ساختار پژوهش شامل دو مرحله اصلی است: در مرحله نخست در دو سؤال از افراد خواسته شد تا در تهران سه مکان/محدوده با بیشترین ترجیح بصری و سه مکان/محدوده با کمترین ترجیح بصری را معرفی کنند. در انتهای پرسش‌نامه نیز از شرکت‌کنندگان درخواست شد تا مشخصات جمعیتی - اجتماعی شامل سن، میزان تحصیلات، سابقه سکونت در تهران، شرایط اشتغال، منطقه محل سکونت، منطقه محل کار و آدرس پست الکترونیک خود را برای اجرای مرحله دوم تکمیل کنند. پس از تکمیل بانک اطلاعاتی مرحله نخست، مکان‌های منتخب دسته‌بندی و گزینه‌های دارای بیشترین فراوانی در هر دو گروه (بیشترین و کمترین ترجیح بصری) مشخص شدند. در مرحله دوم، در مجموع برای ۱۶۸ نفر از مشارکت‌کنندگان که هر یک از مکان‌های منتخب نهایی را در مرحله نخست انتخاب کرده بودند، پرسش‌نامه دوم به همراه کارت تشکر ارسال شد.

هدف پرسش‌نامه‌های مرحله دوم، شناسایی ویژگی‌های

عنصر طراحی مهمی به‌شمار می‌روند (۲). همان‌گونه که پیش از این نیز مطرح شد، مردم به مکان‌های تاریخی واکنش مطلوبی نشان می‌دهند. از نظر نسر چه این اهمیت تاریخی اصیل باشد و چه محیط برای فرد تاریخی به‌نظر برسد، در هر دو شرایط، حس و واکنش خوشایندی ایجاد می‌کند (۲). همچنین مردم با اشاره به نظم، یک‌پارچگی^۱ و سازگاری^۲، نظم محیطی را به‌عنوان عاملی مهم در علاقه‌شان به محیط معرفی کرده‌اند. سازگاری یعنی تناسب و هماهنگی ساختمان‌ها با بستر و محیط طبیعی‌شان و همچنین با ساختمان‌های مجاور. البته به‌باور نسر، نظم مطلق کسل‌کننده است و در ترکیب با پیچیدگی، جذابیت‌هایی را به نظم فضایی اضافه می‌کند. لذا او بر غنای بصری، تزئینات، گونه‌گونی و تنوع^۳ (به‌عنوان متغیرهای پیچیدگی) در کنار نظم به‌عنوان کیفیت مهم و مؤثر بر محیط بصری تأکید می‌کند (۲). در مجموع، کل مفاهیم و ویژگی‌های مطرح شده در جدول ۱ قابل بررسی است.

روش

هدف این پژوهش، شناسایی ویژگی‌های محیطی مؤثر بر ترجیحات بصری شهروندان زن تهرانی است. اگرچه در بسیاری از پژوهش‌های ارزیابی ترجیحات محیطی، حجم نمونه از دانشجویان یا دانش‌آموزان انتخاب می‌شوند (۱۰، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۱)، اما به‌منظور نزدیک‌تر کردن نتایج حاصل به نظرات جامعه آماری مورد نظر، برای انتخاب حجم نمونه به طیف متنوعی از شهروندان و ساکنان مراجعه شد (۲، ۹). تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش با استفاده از فرمول جامعه باز ۲۹۳ نفر بود که به صورت نمونه‌گیری ساده

1. Cohesiveness
2. Compatibility
3. Diversity & variety

بپذیریم که افراد نمی‌توانند تمام بخش‌های شهر را به طور کامل ارزیابی کنند و داوری بهتر شامل بخش‌هایی می‌شود که بیشتر مورد استفاده آنها هستند؛ اما چون در این پژوهش بر ارزیابی افراد به صورت رتبه‌بندی و امتیازدهی جمعی تأکید شده است، می‌توان گفت کمبود دانش و آشنایی برخی شهروندان از بخش‌هایی از شهر می‌تواند با اطلاعات و دانش برخی دیگر جبران شود. همچنین نمونه آماری مورد نظر به نحوی انتخاب شد که مکان زندگی و یا کار آنها بتواند تمام مناطق ۲۲ گانه شهرداری شهر تهران را پوشش دهد.

از میان محیط‌های بصری مطلوب (محیط‌های دارای بیشترین ترجیح بصری)، محله دربند (۷/۶ درصد)؛ خیابان ولی عصر (۴۹/۶ درصد)؛ میدان تجریش (۱۹/۲ درصد)؛ بزرگراه مدرس (۷/۶ درصد)؛ بام تهران (محیط طبیعی) (۹/۲ درصد) و مجموعه بازار تهران (۱۱/۲ درصد) و برای محیط‌های بصری نامطلوب (محیط‌های دارای کمترین ترجیح بصری)، محله اتابک (۴/۴ درصد)؛ خیابان مولوی (۶/۴ درصد)؛ میدان انقلاب (۱۷/۲ درصد)؛ بزرگراه نواب (۱۱/۶ درصد)؛ ترمینال جنوب (۳/۶ درصد) بیشترین فراوانی را داشتند. در میان محیط‌های بصری مطلوب، خیابان‌ها و به طور خاص خیابان ولی عصر و در میان محیط‌های بصری نامطلوب، میدان‌ها و به طور خاص میدان انقلاب بیشترین فراوانی را داشتند.

در مرحله دوم، خیابان ولی عصر به عنوان فضای دارای بیشترین ترجیح بصری و میدان انقلاب به عنوان فضایی با کمترین ترجیح بصری انتخاب شدند که برای شناسایی ویژگی‌های محیط بصری مؤثر بر این انتخاب، پرسش‌نامه دوم برای افراد ارسال و از آنها خواسته شد تا بر اساس مقیاس پنج تایی لیکرت، به ویژگی‌های محیط (که سنجه‌های آن از بررسی متون ادبیات موضوع تعیین شده بود) امتیاز بدهند. در پرسش‌نامه‌های مرحله دوم، ۹۸ مورد (از ۱۲۵ مورد) به خیابان ولی عصر (نرخ پاسخ: ۷۸/۴ درصد) و ۴۱ مورد (از ۴۳ مورد) به میدان انقلاب (نرخ پاسخ: ۹۵/۳۵ درصد) اختصاص یافت.

اصلی محیطی مؤثر بر ترجیحات بصری بود. در این پرسش‌نامه برای سنجش اهمیت و تأثیر هر یک از مفاهیم بصری مورد نظر بر ترجیحات بصری مکان منتخب، از تکنیک مقیاس لیکرت استفاده شد (۹، ۱۸، ۲۹). پاسخ‌ها به پنج دسته (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) تقسیم شدند. سپس از افراد خواسته شد تا به ویژگی‌های فضای منتخب خود امتیاز بدهند. پس از گذشت دو هفته از ارسال پرسش‌نامه دوم، برای افرادی که پاسخ خود را ارسال نکرده بودند، ایمیل یادآوری ارسال شد. در نهایت ۱۳۹ نفر (۸۲/۷۴ درصد) پاسخ‌های خود را برای اجرای مرحله دوم پژوهش فرستادند.

روایی پرسش‌نامه‌ها با مراجعه به صاحب‌نظران و متخصصان و دریافت نظرات آنها درباره مفاهیم و پرسش‌های تدوین شده کنترل و برای کنترل اعتماد یا پایایی سؤال‌های پرسش‌نامه دوم، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که بیشتر بودن آن از $0.7/0.730$ ($\alpha=$)، نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه و همبستگی درونی سؤال‌ها است.

یافته‌ها

ترجیحات بصری در انواع محیط‌های شهری

در مرحله نخست، افراد در پاسخ به دو سؤال، به نام سه مکان شهر تهران شامل محله‌ها یا فضاهای همگانی (میدان، خیابان، پارک و ...) با محیط بصری مطلوب و سه مکان با محیط بصری نامطلوب اشاره کردند. مکان‌های منتخب پس از بررسی و تحلیل اولیه درهفت دسته کلی قرار گرفتند (جدول ۳). یکی از نکات مهم درباره ارزیابی شهروندان از محیط بصری شهر، توجه به این موضوع است که کلان‌شهرهایی چون تهران، پیچیده‌اند و فضایی گسترده دارند و لذا شهروندان تمام بخش‌های آنها را نمی‌شناسند و بیشترشان در تعامل و ارتباط با بخش‌هایی از شهر هستند که در آنها زندگی، کار و رفت و آمد می‌کنند؛ بنابراین محدوده‌هایی که از آنها استفاده نمی‌کنند یا به آنها نمی‌روند، برایشان ناشناخته می‌ماند؛ بنابراین، منطقاً باید

جدول ۳- درصد فراوانی ترجیحات بصری در انواع مکان‌های انتخابی

مجموع	مجموعه (بازار، کاخ موزه و ...)	محیط طبیعی	بزرگراه	میدان	خیابان	محله	
۱۰۰ درصد	۱۰/۵۶ درصد	۱۲/۱۳ درصد	۳/۷۶ درصد	۲۰/۱۳ درصد	۳۴/۹۳ درصد	۱۸/۴۹ درصد	محیط بصری مطلوب
۱۰۰ درصد	۲۳/۳۹ درصد	۱/۲ درصد	۱۲/۲۶ درصد	۴۴/۲۹ درصد	۲۳/۸ درصد	۱۵/۰۶ درصد	محیط بصری نامطلوب

جدول ۴- مقایسه تفاوت میانگین امتیازها برای هر یک از ویژگی‌ها در خیابان ولی عصر و میدان انقلاب

Sig. (2-tailed)	تفاوت میانگین Mean Difference	
./000	۲/۷۰۲	طبیعی بودن
./۱۲۷	۰/۲۸۹	اهمیت تاریخی
./۰۱۷	۰/۵۴۵	خوانایی
./000	۱/۹۸۴	اسرارآمیز بودن
./000	۲/۳۹۴	نمونه‌واری
./000	۱/۱۲۲	تداعی
./000	۰/۹۸۳	خوانش محیط
./000	۱/۴۰۹	نگهداری مناسب
./000	۲/۰۶۸	پناه دادن
./000	۰/۹۴۸	پیچیدگی
./000	۱/۱۲۳	انسجام
./000	۱/۳۶۷	نظم
./۰۰۲	۰/۶۸۷	محصور بودن و تعیین فضایی
./000	۱/۲۵۴	بازبودن (گشودگی و وسعت فضا)

دادن، نمونه‌واری، اسرارآمیز بودن و نگهداری مناسب به شکلی است که ادراک و وجود آنها در فضا به ترجیح بیشتر (خیابان ولی عصر) و کمبود آنها به ترجیح کمتر (میدان انقلاب) منجر شده است. از سوی دیگر، ویژگی‌هایی چون اهمیت تاریخی، خوانایی و محصور بودن و تعیین فضایی تأثیر چشمگیر و تعیین‌کننده‌ای بر ترجیح بیشتر و کمتر نداشته‌اند. به بیانی دیگر، تفاوت امتیازهای داده شده برای این ویژگی‌ها در دو فضای خیابان ولی عصر و میدان انقلاب، قابل توجه و فاحش نیست. در این بررسی، این موضوع در رابطه با اهمیت تاریخی و خوانایی نمود بیشتری دارد. با وجود اینکه افراد میدان انقلاب را فضایی نسبتاً خوانا و دارای ویژگی‌های تاریخی می‌دانند، ولی آن را به‌عنوان فضایی با کمترین ترجیح بصری انتخاب کرده‌اند.

ب- همبستگی ترجیح بصری و ویژگی‌های محیط
در این بخش نوع ارتباط و شدت وابستگی ویژگی‌های محیطی و ترجیح بصری خیابان ولی عصر و میدان انقلاب بررسی شده است. همچنان که پیش‌بینی می‌شد و بررسی جدول ۵ نیز نشان می‌دهد، میانگین امتیازهای تمام ویژگی‌ها در خیابان ولی عصر بیشتر از میدان انقلاب است. در خیابان ولی عصر، به ترتیب، پیچیدگی، تداعی، طبیعی بودن، خوانایی، محصور بودن و تعیین فضایی، اسرارآمیز بودن و نمونه‌واری بیشترین میانگین

ارتباط میان ترجیح بصری و ویژگی‌های محیط
در این بخش، برای تحلیل ارتباط میان ترجیح بصری و ویژگی‌های محیط، سه گام اصلی بررسی شد. در گام نخست، ارتباط میان ترجیح بصری و هر یک از ویژگی‌های محیطی مورد نظر در دو فضای خیابان ولی عصر و میدان انقلاب با یکدیگر مقایسه شد تا مشخص شود لزوماً وجود یا فقدان یک ویژگی مشخص در ترجیح بیشتر یا کمتر محیط مؤثر است یا خیر؟ در گام بعدی، نوع ارتباط و همبستگی میان ترجیح بصری و ویژگی‌های محیطی در هر یک از فضاهای خیابان ولی عصر و میدان انقلاب بررسی شد و در آخرین گام، ویژگی‌هایی که در ترجیح هر یک از فضاهای مذکور بیشترین نقش را داشتند، شناسایی شدند.

الف- مقایسه تأثیر ویژگی‌های محیط بر ترجیح بصری
در این بخش برای مقایسه ویژگی‌های محیط به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر ترجیح بصری خیابان ولی عصر و میدان انقلاب، تفاوت میانگین امتیازهای داده شده به هر یک از ویژگی‌ها در دو فضای مذکور، در آزمون t مستقل تعیین و تحلیل شد. بررسی تفاوت میانگین‌ها در شرایط $p < 0/05$ نشان می‌دهد که تأثیر ویژگی‌هایی چون طبیعی بودن، پناه

جدول ۵- آمار توصیفی ویژگی‌های محیطی مؤثر بر انتخاب خیابان ولی عصر و میدان انقلاب

ردیف	مفهوم	خیابان ولی عصر (N=۹۸)		میدان انقلاب (N=۴۱)	
		میانگین (M)	انحراف معیار (S.D.)	میانگین (M)	انحراف معیار (S.D.)
۱	ترجیح بصری	۴/۱۵	۰/۵۹۸	۱/۹۵	۰/۷۰۵
۲	طبیعی بودن	۴/۰۹	۰/۷۴۷	۱/۳۹	۰/۶۶۶
۳	اهمیت تاریخی	۳/۱۴	۰/۸۴۹	۲/۸۵	۱/۰۶۲
۴	خوانایی	۴/۰۸	۰/۶۵۳	۳/۵۴	۱/۳۴۳
۵	اسرآمیز بودن	۳/۹۶	۰/۷۸۵	۱/۹۸	۰/۹۸۷
۶	نمونه‌واری	۳/۸۶	۰/۸۳۷	۱/۴۶	۰/۸۴۰
۷	تداعی	۴/۱۲	۰/۸۸۸	۳/۰۰	۱/۳۲۳
۸	خوانش محیط	۳/۴۰	۰/۸۷۰	۲/۴۱	۱/۰۲۴
۹	نگه‌داری مناسب	۳/۰۹	۰/۸۷۴	۱/۶۸	۰/۶۵۰
۱۰	پناه دادن	۳/۶۵	۰/۷۸۸	۱/۵۹	۰/۷۰۶
۱۱	پیچیدگی	۴/۱۴	۰/۷۱۸	۳/۲۰	۰/۹۲۸
۱۲	انسجام	۳/۳۷	۰/۷۷۸	۲/۲۴	۱/۰۶۷
۱۳	نظم	۳/۲۴	۰/۷۴۷	۱/۸۸	۰/۹۰۰
۱۴	محصور بودن و تعیین فضایی	۳/۹۸	۰/۸۸۵	۳/۲۹	۱/۲۳۰
۱۵	بازبودن (گشودگی و وسعت فضا)	۳/۴۵	۰/۷۳۴	۲/۲۰	۰/۸۷۲

پناه دادن و پیچیدگی) ارتباط معنادار و هم‌سو وجود دارد. شدت همبستگی میان خوانایی (۶۶/۵ درصد)، انسجام (۵۵/۷ درصد)، تداعی (۵۳/۹ درصد)، نمونه‌واری (۵۲/۲ درصد) و طبیعی بودن (۵۲ درصد) با ترجیح بصری محیط بیش از سایر ویژگی‌های محیط است (جدول ۷).

ج- شناسایی نقش ویژگی‌های محیط بر ترجیحات بصری

از نکات قابل توجه در زمینه ضریب همبستگی این است که شدت وابستگی، رابطه علت و معلولی را مشخص نمی‌کند و از سوی دیگر ممکن است تأثیر سایر متغیرهای مستقل (در اینجا ویژگی‌های محیط) بر متغیر وابسته (در اینجا ترجیح بصری محیط)، تأثیر نامناسبی بر ضریب همبستگی با متغیر مستقل داشته باشد. از این رو برای شناسایی ویژگی‌های محیط، که بیشترین تأثیر را بر ترجیح بصری محیط داشته‌اند، از تحلیل رگرسیونی استفاده شد. این تحلیل گویای آن است که ویژگی‌های تداعی، طبیعی بودن، نگاه‌داری مناسب، خوانایی، اهمیت تاریخی و انسجام بیشترین نقش را بر ترجیحات بصری خیابان ولی عصر دارند (نمودارهای ۱ تا ۶) و در مجموع این ویژگی‌ها ۴۶/۶ درصد ($R^2=0/466$) تغییرات ترجیح بصری محیط را

امتیاز را داشتند و نیز کمبود ویژگی‌های طبیعی بودن، نمونه‌واری، پناه دادن، نگاه‌داری مناسب، نظم و اسرآمیز بودن در میدان انقلاب، از کمترین امتیازی که به این ویژگی‌ها داده شده مشخص می‌شود.

برای تحلیل نوع و شدت وابستگی ویژگی‌های محیطی و ترجیح بصری محیط، مقایسه میانگین‌ها کافی و مناسب نیست؛ از این رو، همبستگی میان آنها بررسی شد و با توجه به رتبه‌ای (طیفی) بودن داده‌ها، در این پژوهش، ضریب همبستگی اسپیرمن به کار رفت (جدول ۶ و ۷).

بر اساس جدول ۶، ضریب همبستگی میان ترجیح بصری خیابان ولی عصر و ویژگی‌های این خیابان (به جز ویژگی پیچیدگی و بازبودن (گشودگی و وسعت فضا)) ارتباط معنادار و هم‌سوی آنها را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، شدت همبستگی ترجیح بصری به ترتیب با ویژگی‌های انسجام (۴۲/۸ درصد)، نمونه‌واری (۳۲/۶ درصد)، اهمیت تاریخی (۳۱/۹ درصد)، اسرآمیز بودن (۳۰/۸ درصد) و پناه دادن (۳۰/۵ درصد) بیش از سایر ویژگی‌های این خیابان است (جدول ۶).

ضرایب همبستگی (جدول ۷) میدان انقلاب نیز گویای آن است که میان ترجیح بصری محیط با ویژگی‌های محیط (به جز ویژگی خوانش محیط، نگاه‌داری مناسب،

جدول ۶- همبستگی میان ترجیح بصری محیط و ویژگی‌های محیطی خیابان ولی عصر

خواش محیط		تداعی		نمونه‌واری		اسرارآمیز بودن		خوانایی		اهمیت تاریخی		طبیعی بودن		ترجیح بصری
Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	
-.۲۷۶**	-.۰۰۶	-.۲۸۴**	-.۰۰۵	-.۲۳۶**	-.۰۰۱	-.۳۰۸**	-.۰۰۲	-.۲۶۸**	-.۰۰۸	-.۳۱۹**	-.۰۰۱	-.۲۷۹**	-.۰۰۵	-

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

بازبودن (گشودگی و وسعت فضا)		محصور بودن و تعین فضایی		نظم		انسجام		پیش‌بینی		پناه دادن		نگهداری مناسب		ترجیح بصری
Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	
-.۰۰۴	-.۹۷۲	-.۲۳۵*	-.۰۲۰	-.۲۲۶*	-.۰۲۵	-.۴۲۸**	-.۰۰۰	-.۰۲۵	-.۸۰۷	-.۳۰۵**	-.۰۰۲	-.۲۸۸**	-.۰۰۵	-

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

جدول ۷- همبستگی میان ترجیح بصری محیط و ویژگی‌های محیطی میدان انقلاب

خواش محیط		تداعی		نمونه‌واری		اسرارآمیز بودن		خوانایی		اهمیت تاریخی		طبیعی بودن		ترجیح بصری
Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	
-.۲۸۶	-.۰۷۰	-.۵۳۹**	-.۰۰۰	-.۵۲۳**	-.۰۰۰	-.۲۳۶*	-.۰۳۷	-.۶۶۵**	-.۰۰۰	-.۳۳۵*	-.۰۳۲	-.۵۲۰**	-.۰۰۰	-

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

بازبودن (گشودگی و وسعت فضا)		محصور بودن و تعین فضایی		نظم		انسجام		پیش‌بینی		پناه دادن		نگهداری مناسب		ترجیح بصری
Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	Correlation coefficient	Sig.(2-tailed)	
-.۳۷۱*	-.۰۱۷	-.۴۴۳**	-.۰۰۴	-.۴۶۰**	-.۰۰۲	-.۵۵۷**	-.۰۰۰	-.۲۵۶	-.۱۰۶	-.۲۳۲	-.۱۴۵	-.۰۰۳	-.۹۸۷	-

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

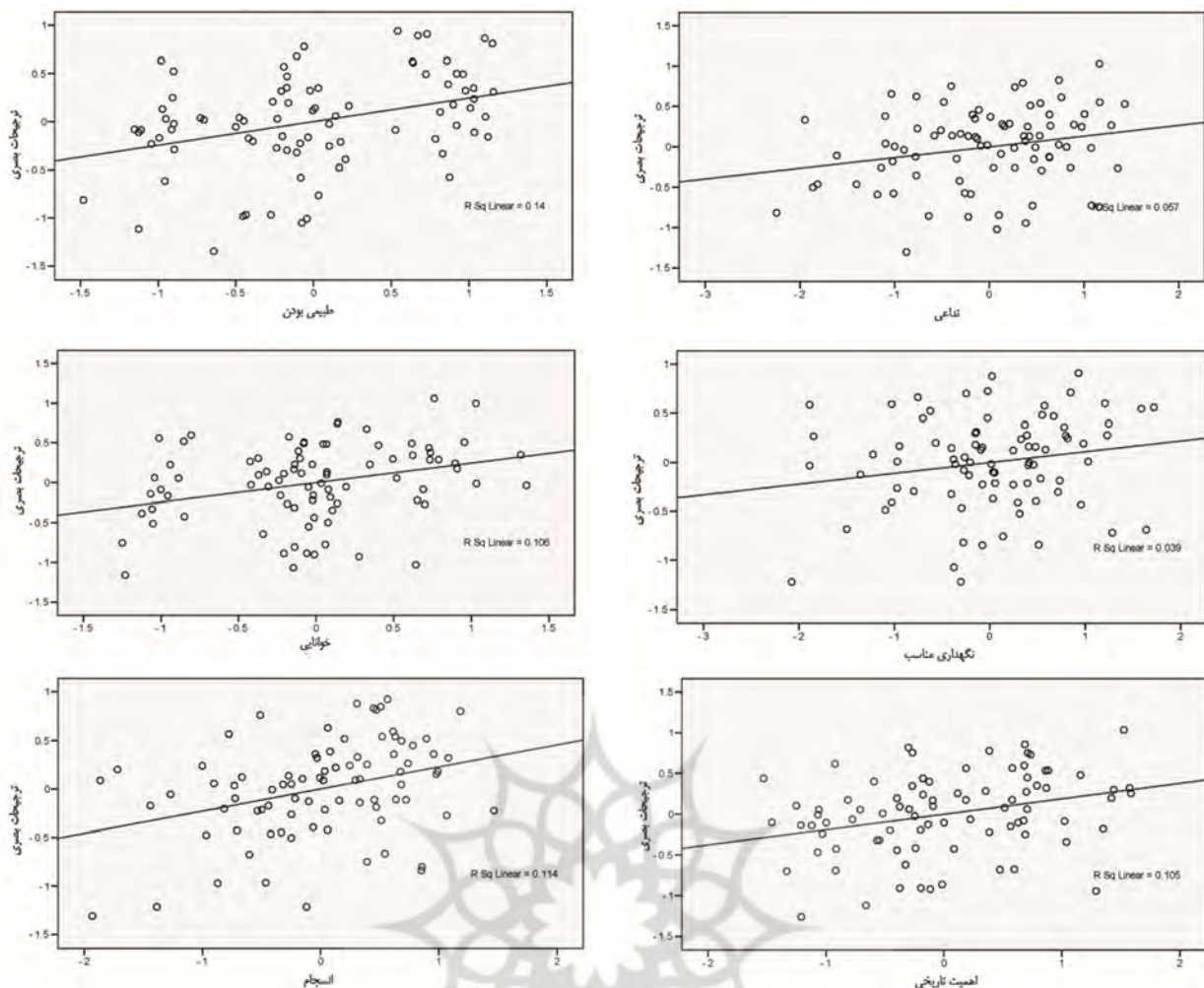
* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

بحث و نتیجه‌گیری

پیش‌بینی می‌کنند. همچنین در میدان انقلاب، اسرارآمیز بودن، تداعی، نمونه‌واری و خوانایی بیشترین نقش را بر ترجیحات بصری محیط دارند (نمودارهای ۷ تا ۱۰) و در مجموع این چهارویژگی ۶۴/۸ درصد ($R^2=0/648$) تغییرات ترجیح بصری محیط را پیش‌بینی می‌کنند.

آنچه از مقایسه نمونه‌های مطرح شده در هریک از دو دسته فضاهای عمومی شهری جلب توجه می‌کند، تنوع و پراکندگی بیشتر مکان‌های دارای ترجیح بصری کمتر در مقایسه با مکان‌های دارای ترجیح بصری بیشتر است. به بیانی دیگر، به نظر می‌رسد تعداد فضاهای

پیش‌بینی می‌کنند. همچنین در میدان انقلاب، اسرارآمیز بودن، تداعی، نمونه‌واری و خوانایی بیشترین نقش را بر ترجیحات بصری محیط دارند (نمودارهای ۷ تا ۱۰) و در مجموع این چهارویژگی ۶۴/۸ درصد ($R^2=0/648$) تغییرات ترجیح بصری محیط را پیش‌بینی می‌کنند.

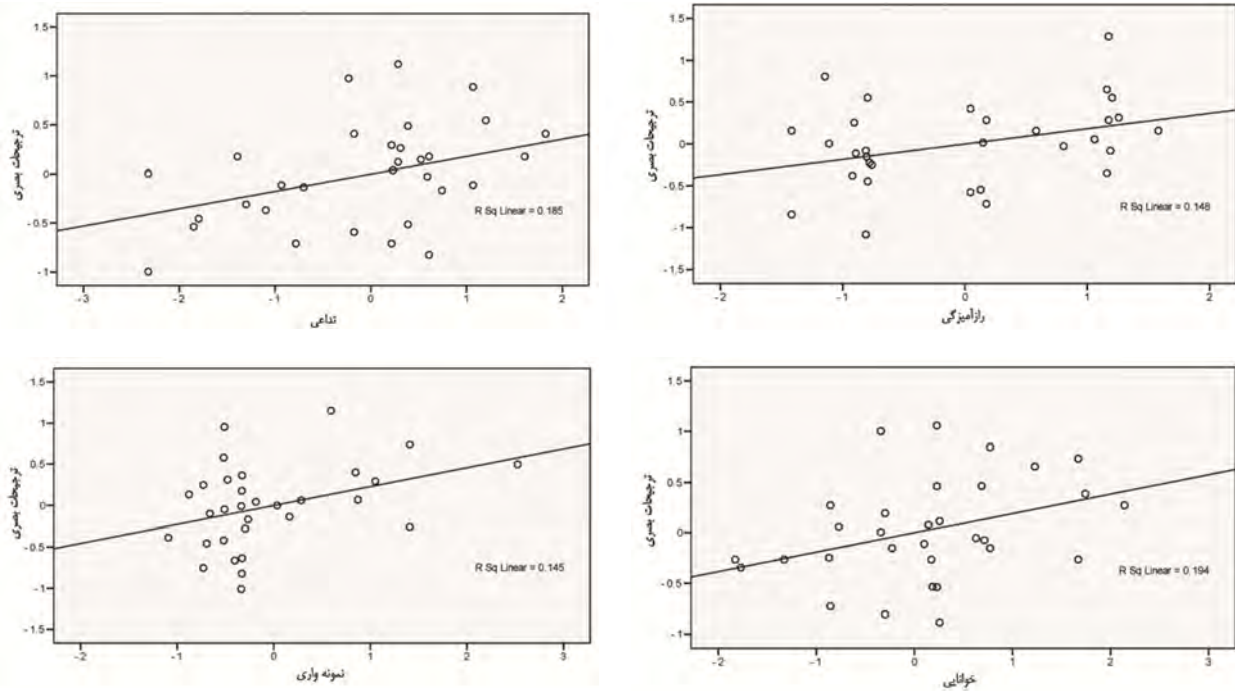


نمودارهای ۱-۶- شدت تأثیر ویژگی‌ها بر ترجیحات بصری (متغیر وابسته) خیابان ولی عصر

درحالی که در بخش عمده‌ای از پروژه‌های شهرسازی، مفاهیم مرتبط با تئوری خوانایی لینچ، پایه تحلیل و طراحی محیط و ارتباط شهروندان با محیط قرار می‌گیرد.

همچنین مقایسه تفاوت میانگین‌های دو فضای خیابان ولی عصر و میدان انقلاب نشان داد که از نظر ویژگی‌های طبیعی بودن، نمونه‌واری و اسرارآمیز بودن، بیشترین اختلاف میانگین یعنی بیشترین میانگین امتیازها به خیابان ولی عصر (ترجیح بصری بیشتر) و کمترین میانگین امتیازها به میدان انقلاب (ترجیح بصری کمتر) اختصاص یافته است. توجه به این نکته ضروری است که به این دو فضا به عنوان فضای شهری توجه شده و در این پژوهش تفاوت ترجیح بصری و ویژگی‌های محیطی مؤثر بر آن در خیابان و میدان با الگوی حرکتی متفاوت مورد نظر نبوده است که این موضوع می‌تواند در پژوهش دیگری بررسی شود.

شهری دارای ترجیح بصری بیشتر محدود و مشخص‌اند و این نامناسب بودن محیط بصری شهر و فضاهای شهری شهر تهران را نشان می‌دهد. در نهایت تحلیل فراوانی نمونه‌های مطرح شده نشان داد که از نظر ترجیحات بصری بیشتر، خیابان‌ها و به طور خاص خیابان ولی عصر و از منظر ترجیحات بصری کمتر، میدان‌ها و میدان انقلاب بیشترین فراوانی را دارند. در گام بعدی، بر اساس بررسی متون ادبیات موضوع و رویکرد صاحب‌نظران، ویژگی‌های محیط بصری هر یک از نمونه‌های انتخاب شده ارزیابی و ارتباط آنها با ترجیح بصری فضای مورد نظر تحلیل شد. در نگاه نخست، نتایج گویای آن است که ترکیبی از مفاهیم و ویژگی‌های مطرح شده در تئوری‌های محیط بصری و تئوری‌های ترجیحات بصری، مورد توجه افراد بوده است؛ بنابراین برای رسیدن به فضایی مطلوب و دارای ترجیح بصری بیشتر برای شهروندان، نمی‌توان فقط مفاهیم یکی از تئوری‌ها را مبنای عمل قرار داد،



نمودارهای ۷-۱۰- شدت تأثیر ویژگی‌ها بر ترجیحات بصری (متغیر وابسته) میدان انقلاب

رپاپورت (۱۹۸۲) بر تداعی به‌عنوان مکمل ادراک افراد عادی از محیط دارد. اسرارآمیز بودن و تأثیر مثبت آن بر ترجیحات بصری محیط، از دیگر نکاتی است که در پژوهش‌های مختلف از جمله هرزوغ و کاپلان‌ها (۱۹۸۲) و آیکم‌ای (۲۰۰۵) به آن توجه و در این پژوهش نیز یکی از ویژگی‌های مؤثر بر ترجیحات بصری زنان از محیط‌های شهری شناخته شده است. در این پژوهش، نمونه‌واری هم از ویژگی‌هایی است که تأثیر آن بر ترجیحات بصری مورد توجه زنان بوده، اما در پژوهش‌های هرزوغ (۱۹۹۲) این ویژگی در برخی موارد مؤثر و در برخی دیگر غیرمؤثر شناخته شده است. از این رو برای دقت بیشتر باید ویژگی نمونه‌واری و تأثیر تطابق ویژگی‌های محیط با نمونه ذهنی مورد نظر و توقع فرد از فضا بر ترجیحات بصری فرد از محیط بیشتر بررسی شود.

این پژوهش مبتنی بر داده‌های متقن پیمایشی، نه فقط در درک ترجیحات بصری شهروندان تهرانی گامی نخست است، بلکه در اثرگذاری مقوله جنسیت نیز در مراحل آغازین است. در پژوهش‌های آتی و مکمل می‌توان نتایج این پژوهش را با مقایسه‌ای تطبیقی دقیق‌تر کرد. مقایسه تطبیقی ترجیحات بصری مردان و زنان و یا ارزیابی تأثیر ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی بر تعیین معیارهای ترجیحات بصری شهروندان (برای

نتایج تحلیل همبستگی در هریک از فضاهای مورد بررسی گویای آن است که ویژگی‌های مورد نظر محیط با ترجیح بصری ارتباطی هم‌سو (مثبت) داشتند؛ اما میان ویژگی‌های پیچیدگی و باز بودن (گشودگی و وسعت فضا) در خیابان ولی‌عصر و ویژگی‌های خوانش محیط، نگاه‌داری مناسب، پناه دادن و پیچیدگی در میدان انقلاب و ترجیح بصری محیط ارتباط معناداری دیده نشد. در نهایت، تحلیل رگرسیونی نشان داد که برای برنامه‌ریزی و طراحی خیابان ولی‌عصر، باید به ویژگی‌های تداعی، طبیعی بودن، نگاه‌داری مناسب، خوانایی، اهمیت تاریخی و انسجام توجه شود تا همچنان به عنوان فضایی با ترجیح بصری بالا برای شهروندان باقی بماند و یا حتی تقویت شود. از سوی دیگر، برای بهبود کیفیت بصری و افزایش ترجیح بصری میدان انقلاب توجه به ویژگی‌های اسرارآمیز بودن، تداعی، نمونه‌واری و خوانایی اولویت دارد.

نتایج این پژوهش بر اهمیت ویژگی طبیعی بودن در ترجیح بصری زنان از فضاهای شهری تهران تأکید بیشتر دارد. تأثیر مثبت وجود عناصر طبیعی و دیدن آنها در محیط‌های شهری بر ارزیابی شهروندان از مطلوب بودن فضا با نتایج پژوهش‌های نسر (۱۹۹۸) و لینچ (۱۹۶۰) هم‌سو و هماهنگ است. نقش مؤثر تداعی در ترجیحات بصری زنان نیز تأیید تأکیدی است که

این زمینه، آگاهی طراحان و برنامه‌ریزان شهری از معیارهای مذکور افزایش یابد.

مثال، مقایسه جوامع اسلامی و غیراسلامی) از پژوهش‌های شاخص در این زمینه هستند که کمبود اطلاعات درباره آنها نه فقط بر همه‌شمول بودن فضاهای شهر تأثیر منفی دارد، بلکه خوانش ارزش‌های جامعه از روی محیط بصری شهر را به چالش می‌کشد. از این رو لازم است تا به کمک پژوهش‌های متعدد در

دریافت: ۹۳/۴/۱۷ ; پذیرش: ۹۳/۷/۶

منابع

1. Lynch K. *The Image of the City*. [M. Mozayani, trans]. Tehran: Tehran University publishing; 2008. [Persian].
2. Nasar JL. *The Evaluative Image of the City*. California: Sage Publication; 1998.
3. Golkar K. Conceptual Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach. *Journal of Environmental Sciences*; 2008; 5(4): 95-114. [Persian].
4. Montgomery J. *The New Wealth of Cities; City Dynamics and the Fifth Wave*. Hampshire: Ashgate; 2008.
5. Knox PL. *Cities and Design*. Oxan: Routledge; 2011.
6. Rapoport A. *The Meaning of the Built Environment*. California: SAGE publication; 1982.
7. Gifford R, Hine DW, Muller-Clemm W, Reynolds DJ, Shaw KT. Decoding Modern Architecture: A Lens Model Approach for Understanding the Aesthetic Differences of Architects and Laypersons. *Environment and Behavior* 2000; 32(2): 163-87.
8. Strumse E. Demographic Differences in the Visual Preferences for Agrarian Landscapes in Western Norway. *Journal of Environmental Psychology* 1996; 16: 17-31.
9. Kyle GT, Mowen AJ, Tarrant M. Linking place preferences with place meaning: An examination of the Relationship between place motivation and place attachment. *Journal of Environmental Psychology* 2004; 24: 439-54.
10. Sevenant M, Antrop M. Cognitive attributes and aesthetic preferences in assessment and differentiation of landscapes. *Journal of Environmental Management* 2009; 90: 2889-99.
11. Sevenant M, Antrop M. The use of latent classes to identify individual differences in the importance of landscape dimensions for aesthetic preference. *Land Use Policy* 2010; 27: 827-42.
12. Tveit M, Ode A, Fry G. Key concepts in a framework for analyzing visual landscape character. *Landscape Research* 2006; 31(3): 229-55.
13. Aminzadeh B. Assessing place Aesthetic and Identity. *Journal of Urban Identity* 2010; 5(7): 3-14. [Persian].
14. Gosling D. *Gordon Cullen – Visions of Urban Design*. London: Academy Editions; 1996.
15. Cullen G. *Townscape*. [M. Tabibian, Trans]. Tehran: Tehran University Publishing; 2011. [In Persian].
16. Kaplan S. Perception and Landscape: Conceptions and Misconceptions. Submitted to the *National Conference on Applied Techniques for Analysis and Management of the Visual Resource* 1979; 23-25.
17. Evans GW, Smith C, Pezdek K. Cognitive Maps and Urban Form. *Journal of American Planning Association* 1982; 48(2): 232-44.
18. Herzog T. RA. Cognitive Analysis of Preference for Urban Spaces. *Journal of Environmental Psychology*; 1992; 12: 237-48.
19. Green R. Meaning and Form in Community Perception of Town Character. *Journal of Environmental Psychology* 1999; 19: 311-29.
20. Appleyard D. Why Buildings Are Known. *Environment and Behavior* 1969; 1(2): 131-56.
21. Kyle GT, Graefe A, Manning R. Testing the Dimensionality of Place Attachment in Recreational Settings. *Environmental and Behavior* 2005; 37: 153-77.
22. Kaplan R, Kaplan S. *The Experience of Nature: A Psychological Perspective*. New York: Cambridge University Press; 1989.
23. Kaplan S. Aesthetics, Affect, and Cognition: Environmental Preference from an Evolutionary Perspective. *Environment and Behavior* 1987; 19(1): 3-32.
24. Herzog TR, Kaplan S, Kaplan R. The Prediction of Preference for Familiar Urban Places. *Environment and Behavior* 1976; 8(4): 627-45.
25. Herzog TR, Kaplan S, Kaplan R. The Prediction of Preference for Unfamiliar Urban Places. *Environment and Behavior* 1982; 5(1): 43-59.
26. Hanyu K. Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas Daylight. *Journal of Environmental Psychology* 2000; 20: 273-84.
27. Norton B, Costanza R, Bishop RC. The evolution of preferences; Why 'sovereign' preferences may not lead to sustainable policies and what to do about it. *Ecological Economics* 1998; 24: 193-211.
28. Stamps AE. Mystery, Complexity, Legibility and Coherence: A Meta-Analysis. *Journal of*

- Environmental Psychology* 2004;24:1-16.
29. Ikemi M. The effects of mystery on preference for residential facades. *Journal of Environmental Psychology* 2005;25:167-73.
30. Clay RG, Smidt RK. Assessing the validity and reliability of descriptor variables used in scenic highway analysis. *Landscape and Urban Planning Journal* 2004;66:239-55.
31. Korpela KM, Hartig T, Kaiser FG, Fuhrer U. Restorative Experience and Self-Regulation in Favorite Places. *Environment and Behavior* 2001;33(4):572-89.

